



نشریه تحلیلی سیاسی-اجتماعی
شماره ۹۹۹۹ - مهرماه ۱۳۹۵



عاشورا جلوه‌گاه
حماسه حسین(ع) و
۷۲ کبوتر عشق



من، دختر همان پدرم
نقاشی که می کشم در جعبه مداد رنگی هایم غوغا می شود. عجب حسرتی است در دلشان، مثل چشمانم. آرزوی تصویر تو را دارند بابا! خوش بحال مداد سیاه که طرح صورتت را می ریزد، خوش بحالش که موهایت را به نسیم می سپارد. خوش بحال قهوه ی چشمانت، قهوه ای که از حرارت ایمان می جوشد. خوش بحال افق آبی نگاهت، خوش بحال رنگ لبخندت، طنین سبز بابا! مداد قرمز را ببین که از شرم تو چه کوچک شده، مداد سفید گوشه گیرم! غصه نخور، بزرگ که شدم لحظه ای بیکار نمی مانم. من دختر همان پدرم! راز شکست شب را تو میدانی.

دلنوشته ی آر میتا- فرزند شهید داریوش رضایی نژاد

واپسین برداشت

خیابان، دوربین و آب و قرآن، ... اولین برداشت کسی در صحنه خم شد، ساک خود را از زمین برداشت تریبون‌ها - پر از احساس - رفتن را هجی کردند تمام شهر را آوازهای آتشین برداشت بیا « ای لشگر صاحب زمان آماده باش » اکنون وطن یا دین؟ برای هردو باید تیغ کین برداشت در این جا - صحنه‌ی دوم - غبار و خون و باروت است کلاش کهنه را بازی‌گر ما با یقین برداشت دل‌اش در بند بود و ... بند پوتین خودش را بست قدم‌های خودش را عاشقانه تا کمین برداشت - شروع جلوه‌ی ویژه - شب و مین، کاوش و ... می‌ریخت اناری دانه‌دانه خون خود را روی این برداشت اناری دانه‌دانه بسته شد، مردی کبوتر شد ولی در پشت جبهه مادری تاخورد، چین برداشت ... و روی شانه‌ی مردم، سبک‌تر می‌وزید از باد مکعب، خالی خالی، خیابان، واپسین برداشت!

رضا علی اکبری

تنها؛ اما با هم

مردم روزهای سختی را پشت سر گذاشتند. جنگ، کودتا، شب‌هایی که حکومت نظامی برقرار بود، بی‌عدالتی و فقر سراسر کشور را فرا گرفته بود، زندگی برای دربارشاه معنا داشت، کشور از خائنان پر بود...

با همه سختی‌ها انقلاب پیروز شد؛ شاه فرار کرد و آنچه مردم می‌خواستند اتفاق افتاد؛ «رهایی از رژیم طاغوت».

انقلاب دوساله بود که طبل جنگ نواخته شد؛ شهریور ۱۳۵۹.

ایران فقط در برابر ارتش صدام دفاع نمی‌کرد بلکه جنگ با تمام قدرت شرق و غرب بود. روزهای قبل از جنگ هم روزهای سختی بود اما حالا انکار مردم تازه به شوق آمده بودند برای مبارزه و دفاع از تمامی ارزش‌ها. جبهه لیریز از جوانانی بود که چشم بر دهان امام دوخته بودند. جهادی‌فرائز از معنای نظامی خود، حرکتی که می‌دانستند در مقابل یک اقدام خصمانه و غرض‌آلود است. حرکتی که شکل‌گیری آن بر پایه عقلانیت، اخلاص، تعهد و تکلیف بود.

جمله‌ی آن روزهای امام (ره) را کسی فراموش نمی‌کند: «زیر بار هیچ ظلمی نمی‌رویم». فقط جنگ نبود؛ درگیری و خیانت‌های داخلی، تحریم‌های اقتصادی و ترور مقامات ارشد نظام هم بود. منافقان بروی ملت تفنگ می‌کشیدند. با وجود این‌ها امام و ملت، هوشیار و بصیر بودند. انقلاب زخمی بود اما همچنان پایدار. حمله رژیم بعث عراق از یک طرف، ترور مردم توسط منافقان از طرف دیگر به اوج خود رسیده بود؛ منافقان، امام و انقلاب را انحصارطلب و مستبد می‌خواندند؛ حیل‌ها و نقشه‌های آمریکا علیه جمهوری اسلامی هرگز فراموش نمی‌شود؛ صدام به دور از انسانیت و در کمال ذلت و خونخواری، شهرهای مسکونی را بمباران می‌کرد.

در آن روزها نیز رئیس‌جمهور وقت آمریکا، ریگان دستور تحریم صادر می‌کند. رسانه‌های غربی نام ایران را با تروریسم، نقض حقوق بشر، استبداد و جنگ طلبی مترادف کرده‌اند. با وجود موج خیانت و نامردمی، امام و امت همچون کوه ایستاده بودند؛ مقاومت در برابر «دنیای استکبار» حرف اول را می‌زد.

اما درگیری‌های تلخ سال‌های آخر جنگ...

همه جاکشاکش بود، جبهه نیرو نداشت، خانواده‌ها ممانعت می‌کردند، بر سر هزینه‌های جنگ مشاجره بود، صدها هزار نفر می‌آمدند و شعار جنگ می‌دادند ولی فقط چند هزار نفر جبهه می‌رفتند. مدام به امام نامه می‌نوشتند که وضعیت جنگ به صلاح نیست؛ برخی مسئولان سیاسی و نظامی کشور مدام به طبل ما نمی‌توانیم می‌کوبیدند. امام که می‌گفت «جنگ، جنگ تا رفع فتنه از عالم»، مجبور شد و گفت: «من جام زهر را نوشیدم.»

۸ سال مظلومانه ولی قدرتمندانه در برابر تمام قدرت‌های بزرگ ایستادیم و مقاومت کردیم. جنگی که با هدف نابودی انقلاب اسلامی، تجزیه ایران و یا حداقل پرهم زدن مرز آبی ما و عراق شروع شده بود، حتی بدون از دست دادن یک وجب خاک به پایان رسید.

جنگ تحمیلی به پایان رسید اما روح خدا، بت‌شکن بزرگ، امام خمینی (ره) و سربازانش همچنان اندیشه‌ای مبارک در ذهن دنیای اسلام پرورش می‌دهند.

امام از هدفی بزرگ سخن می‌گفت، هدفی که سرنگونی استکبار در سراسر عالم بود؛ این روزها بیشتر شاهد آینده‌نگری‌های او هستیم.

و آن هدف بزرگ «وحدت و بیداری اسلامی مسلمانان جهان» است.



بوی ترش سیب کال

گرچه با کپسول اکسیژن مجابت کرده‌اند مادرش می‌گفت دکترها جوابت کرده‌اند

مرگ تدریجی ست این دردی که داری می‌کشی

منتهای باقرص‌های خواب، خوابت کرده‌اند

خواب می‌بینی که در "سردشتی" و "گیلان غروب"

خواب می‌بینی که در آتش کبابت کرده‌اند

پس برای آزمایش انتخابت کرده‌اند

خواب می‌بینی که مسئولان بنیاد شهید

بر در دروازه‌های شهر قابت کرده‌اند

بمب می‌بارد بر قریه‌ی "زرده" اصابت کرده‌اند

قصر شیرینی که از شیرینی‌ات چیزی نماند

یا پلی هستی که چون سر بل خوابت کرده‌اند

خوشه‌خوشه بمب‌های خوشه‌ای را چیده‌ای

قطره قطره در وجود خود مذابت کرده‌اند

می‌پری از خواب و میبینی شهید زنده‌ای

با چه معیاری - نمی‌دانم - حسابت کرده‌اند

اصغر عظیمی مهر

نفوذ در رئیس‌جمهور

۲ فروردین ماه ۱۳۱۲، در روستای باقچه، از توابع همدان به دنیا آمد. پدرش از روحانیون همدان بود. پس از اتمام تحصیلات دانشگاهی در موسسه‌ی تحقیقات و مطالعات اجتماعی شروع به کار کرد.

او با کسب ۱۱ میلیون رای به عنوان رئیس‌جمهور کشور معرفی و از سوی امام خمینی (ره) ب عنوان جانشین فرماندهی کل قوا معرفی شد.

توجه به گفته‌های برخی از مسئولان و بزرگان در آن دوران در رابطه با خیانت‌هایش خالی از لطف نیست. رئیس‌جمهور با همه‌ی هشدارهایی که از فرماندهان ارشد نظامی مبنی بر تحرکات ارتش عراق در مرز دریافت می‌کرد، کمترین توجهی به آن نداشت... مستندات مربوط به ارتباط او با عراق نیز موجود است که این بی‌توجهی را عمدی معرفی می‌کند.

به عنوان مثال ۱۰ روز قبل از شروع جنگ، شهید محمد بروجردی به او گفت: «تحلیل ما این است که عراق می‌خواهد به ایران حمله کند و باید آمادگی لازم را برای دفاع داشته باشیم و بدانیم که جنگ می‌خواهد آغاز شود.» رئیس‌جمهور پاسخ داد: «شما سپاهی‌ها اصلاً نمی‌دانید که جنگ چگونه آغاز می‌شود. برای آغاز جنگ، باید موازنه قدرت در سطح بین الملل به هم بخورد... شما اصلاً درک سیاسی ندارید. همین کردستان را آرام کنید و کاری هم به مسئله جنگ نداشته باشید. شما می‌خواهید عراق را تحریک کنید. شما دارید این گزارشات را می‌دهید که ما را تضعیف کنید!!»

قصور‌های عمدی منتخب مردم در رابطه با سقوط خرمشهر و قصر شیرین غیرقابل انکار است. فرمانده‌ی کل قوا با وجود استقامت ۴۰ روزه‌ی اهالی شهر و بسیجیان، حتی یک قبضه اسلحه به خرمشهر نفرستاد، بلکه دستور خارج کردن اسلحه‌ها را نیز صادر کرد. یکی از اقدامات او برای تضعیف نیروهای مدافع انقلاب و بازکردن راه پیشروی نیروهای عراقی آن بود که به ارتش گفته بود بدون دستور او به سپاه و بسیج اسلحه ندهند.

آیت‌ا... هاشمی رفسنجانی نیز در مورد سقوط خرمشهر چنین نقل می‌کند: «او حاضر نشد به خرمشهر نیرو بفرستد. در خرمشهر عده کمی از نیروهای ما می‌جنگیدند. آنها می‌گفتند اگر شما فقط ۵۰۰ نفر نیرو به ما بدهید، خرمشهر را حفظ می‌کنیم. در دزفول گریه کردیم که برای آنها نیرو نفرستید ولی بهانه آوردند که ما نیرو نداریم، شما بیاورید. من تعهد کردم و گفتم از تهران نیروی کمیت‌ه را می‌آوریم. به اهواز رفتم و به آقای مهدوی‌کنی تلفن زدم و تعدادی نیرو از کمیت‌ه با سرعت به اهواز آمدند. با این حال آنها را با انواع بهانه تراشی از اهواز به خرمشهر منتقل نکردند و اسلحه نیز به آنها ندادند.»

اصلاً سیاستش این بود که می‌گفت باید بگذاریم دشمن هر مقداری که می‌خواهد جلو بیاید. ما بعدها به تدریج دشمن را از سرزمین خود بیرون می‌کنیم. وی می‌گفت باید زمین بدهیم تا زمان بگیریم!

حتی زمانی که دانشجویان در یک عملیات هماهنگ با ارتش در حال پیشروی بودند، به طور ناگهانی دستور عقب نشینی ارتش را صادر کرد و دانشجویان پیرو خط امام قتل عام شدند.

سرانجام ریاست قوه‌ی مجریه با درخواست مردم و استیضاح نمایندگان مجلس و فرمان امام، از کار برکنار شد و پس از پنج هفته اختفا به همراه مسعود رجوی و با لباس زنانه از کشور خارج شد.

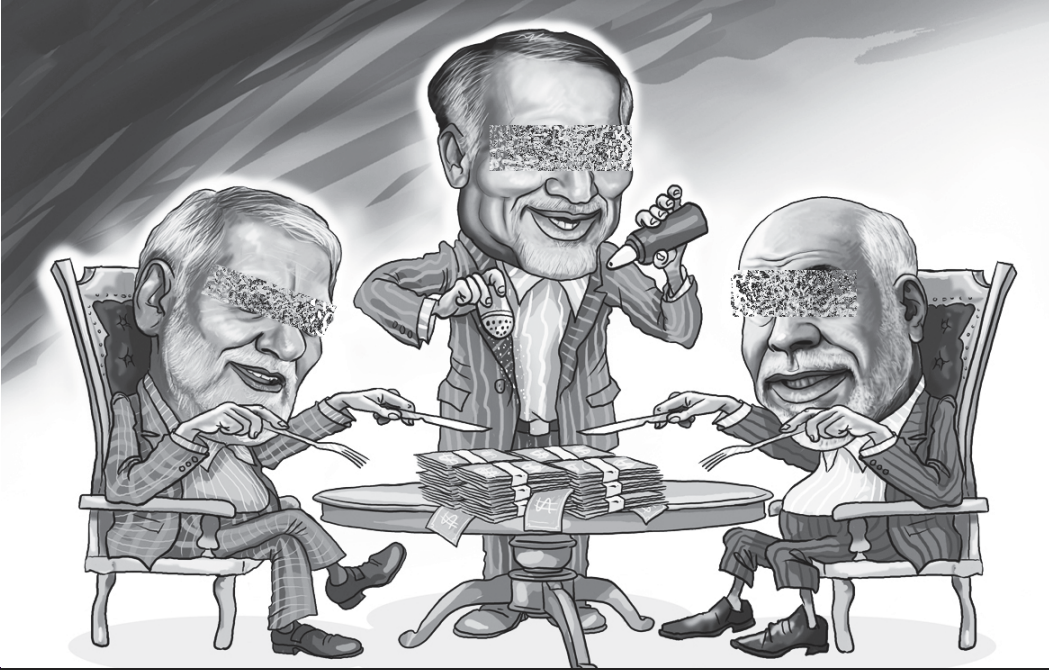
بعد از ۱۲ سال از اتمام جنگ، در جلسه‌ی پرسش و پاسخی در آلمان صریحاً گفت:

"در سال ۵۹ این من بودم که به نیروهای کرد، به کوموله‌ها و دموکرات‌ها پیام دادم که اسلحه را زمین نگذارند!"

هم اکنون کسی که دستانش به خون هزاران نفر از جوانان این سرزمین آلوده است، کسی که از نظر و رأی مردم بیشترین سوء استفاده‌ها را کرد، کسی که دارایی این کشور را به تاراج برد... همراه مجاهدین خلق، یار کومله، راهنمای لیبرال و دموکرات "ابوالحسن بنی‌صدر" در شهری در حومه‌ی پاریس، تحت مراقبت امنیتی دولت فرانسه قرار دارد.

حال که پس از چندین سال خیانت‌های او آشکار شده و بر همگان واضح است، حمایت او از برخی افراد و سرسپردگی این افراد به بنی‌صدر چه مفهومی دارد؟ جهت‌گیری‌های سیاسی او و حمایت‌هایش از احزابی در ایران، همچنان محل علامت‌سوالی بزرگ است!

قاضی این پرونده، همه‌ی مردم آزاده‌ای هستند که به دنبال حق و حقیقت‌اند...



خزانه خالی و حقوق های نجومی



بیست وهفت سال از آخرین حماسه های جاودانه مردان بی ادعا در جبهه های نبرد حق علیه باطل در مرزهای جغرافیایی ایران وعراق می گذرد. هرچقدر از دوران دفاع مقدس فاصله می گیریم، عظمت مقاومت و ایستادگی این امت در برابر زور گویی های ابرقدرت ها، نمایان تر جلوه می کند. گاهی اعتراف میکنیم مردان آن دوران بقدری بزرگ بودند که درک اراده های راسخ و عمل آنان برای بسیاری از ما که در آن زمان نبودیم یا شرایط حضور در جنگ را نداشتیم به آسانی صورت نخواهد گرفت.

امروز، نیاز به بازخوانی آرمان های شهدا و سیره رفتاری آنان بیش از پیش احساس می شود. یکی از ویژگی هایی که در همه شهیدان مشهود بوده است اما امروزه کم رنگ شده، خصلت ساده زیستی و حساسیت آنان روی بیت المال است. شاید خاطراتی را که از خانواده و همرزمانشان می شنویم برای خیلی از ما باورکردنی نباشد. آنها شاگردان ممتاز مکتب امامشان بوده اند. " امام (ره) از هر چیز به اندازه حداکثر استفاده اقتصادی می کردند...

حضرت علی(ع) فرموده اند که سر قلم را نازک بگیرید و خط ها را به هم نزدیک بنویسید؛ امام در زندگی خود این مطلب را پیاده کرده بودند، مثلا آنچه از نامه ها که برای ایشان می رسید، چون معمولا از کاغذهای پستی استفاده شده بود و مقداری از آن درحد دو صفحه یا بیشتر مفید بود و روی پاکت، به غیر از آدرس و عنوان، جای سفید زیادی بود، از تمام این کاغذها و حتی پاکت ها استفاده می کردند و یادداشت های مقدمتا علمی خودشان را روی آنها می نوشتند! اینقدر توجه به مسائل اقتصادی داشتند که بعضی از آقایان،آن نوشته ها را هنوز دارند. " « برداشت هایی از سیره امام خمینی (ره) - ج۲،ص۱۱۰»

در مقابل این مردان بی ادعا و خانواده هایشان که در هیاهوی شهر، گمنام زندگی می کنند، هستند عده ای که در حال گرفتن سهم خود از سفره ی انقلاب اند و آن را با افتخار نیز اعلام میکنند! مدتی است که ماجرای حقوق های نجومی سر زبان ها افتاده است. فیش هایی که شاید حتی خنده دار به نظر آید چرا که در آن هزینه دندان پزشکی، اعیاد، کمک هزینه خرید لباس، خرید کتاب، سفر، ورزش و اوقات فراغت فرزندان هم لحاظ شده است. آن هم در شرایطی که برخی از مسؤولین، دم از خزانه خالی میزنند و پرداخت یارانه را مصیبت عظمی میدانند.

آیا این به معنای ایجاد موج بی اعتمادی علیه کل سیستم نیست؟ آیا باعث نمی شود مردم به همه چیز مشکوک شوند و احساس کنند به اعتماد آنان خیانت شده است؟ وقتی فسادی در یک سیستم رخ می‌دهد، باید خود آن اولین جایی باشد که متوجه این فساد می‌شود و باز خود آن، اولین منبع اطلاع‌رسانی همراه با عذرخواهی به مردم باشد. طبیعی است وقتی فیش‌های حقوقی از طریقی نامعلوم و در قامت یک افشاکری منتشر می‌شود، مردم از خود می‌پرسند اگر این افشاکری انجام نمی‌شد، آیا ما متوجه موضوع می‌شدیم و دانستن، حق ما به شمار می‌رفت؟! و آیا در صورت عدم افشاکری، عزمی بر برخورد وجود داشت؟!

و اما دولت، به عنوان نهادی که نوک تیز انتقادات مربوط به فیش‌های حقوقی مدیرانش متوجه اوست، می‌تواند این اعتماد را برگرداند، آن هم نه بوسیله دفاع از آنان و ذخیره نظام خواندنشان! بلکه با برخورد قاطع و عزل مدیران متخلف و بازگشت مازاد حقوق به بیت‌المال همراه با ارائه گزارش عمومی. گرچه اعتماد مردم خدشه دار شده اما بازگشت آن نیز آسان است لیکن اگر دولت بخواهد؛ چرا که رئیس جمهور محترم فرموده اند نباید به خاطر حقوق های نجومی چوب و شلاق بیاوریم!...

مسأله دیگری که این روزها سر زبان ها می چرخد، قضیه واگذاری املاک و مسکن به مدیران و کارکنان شهرداری تهران است که هنوز صحت و یا چگونگی آن تایید نشده است. نوع واکنش شهردار تهران نیز در خور توجه است؛ وی گفته هیچ خط قرمزی در برخورد با خاطیان ندارد و خواستار رسیدگی و برخورد است.

در هر حال قوه قضاییه باید بدون توجه به منافع حزب یا گروهی خاص، تمام تلاش خود را برای بازستاندن بیت المال انجام دهد. هر چند تاکنون علی رغم گذشت زمانی طولانی از افشای حقوق های نجومی، برخوردی جدی صورت نگرفته است.

صلحی که زهر شد...

حاج عیسی، می‌گوید: « امام تا دو روز بعد از پذیرش قطعنامه چیزی نخوردند. وقتی بعد از دو روز وارد اتاق شدم من را در بغل گرفت، گریه کرد و گفت: شهدا به مقامی که بخواهند می‌رسند، جانبازان اجرشان را می‌گیرند، اسرا هم برمی‌گردند، من چه کنم؟» جنگ تحمیلی هشت ساله علیه ایران فراز و نشیب‌های فراوان سیاسی و اقتصادی و نظامی داشت که در نهایت به پذیرش قطعنامه ۵۹۸ منتهی شد. دلایل پذیرش این قطعنامه و نقش مسئولین وقت در این موضوع خود یکی از چالش برانگیزترین موضوعات مربوط به دفاع مقدس است. و بارها اندیشمندان مختلف و نظریه پردازان در زمینه جنگ به تشریح علل آن پرداخته‌اند. در تاریخ ۲۷ تیرماه ۱۳۶۷ ، جمهوری اسلامی ایران رسما قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل در مورد چگونگی خاتمه جنگ را پذیرفت. اما به راستی چرا این قطعنامه تصویب شد؟ محتوای آن چه بود؟ و آیا با منافع و اهداف جمهوری اسلامی ایران انطباق داشت؟

سردار علایی میگوید: "زمانی که قطع نامه ۵۹۸ شورای امنیت ملی تصویب شد ایران دراوج قدرت نظامی و پیروزی های متعدد بود در این زمان مناطق فاو،شلمچه،حاج عمران و بسیاری از جبهه های غرب در دست نیروهای ما بود و طبیعتا ایران در چنین شرایطی به دنبال آن بود که رژیم صدام را وادار به تسلیم در برابر خواسته های خود نماید و فشار بر صدام را تا جایی ادامه دهد که ان رژیم اعلام کند که معاهده ۱۹۷۵ که از چند روز قبل از شروع جنگ ان را بی اعتباراعلام کرده بود پذیرفته ومعتبر اعلام کندهم چنین مجامع بین المللی وکشور های حامی صدام بپذیرند که رژیم عراق متجاوز واغازگر جنگ بوده وهم چنین برای در یافت خسارات جنگ هم چارچوب وروشی تعیین شود." اما دست های خیانت کاران بار دیگر عرصه را به نفع دشمن تغییر داد...

به طور کلی دو استراتژی برای روند جنگ وجود داشت:

استراتژی نخست تفکر امام بودکه معتقد بودندجنگ را باید تا سرنگونی رژیم بعثی عراق ادامه داد (رفع فتنه).

ایشان فرموده بودند جنگ را باید تا فتح بغداد ادامه داد و این مستلزم این بود که توجه خاصی به جنگ شود چنانچه امام در پیام ۲۲ بهمن سال ۶۱فرمودند "جنگ دفاعی در رأس تمامی امور است."

از این سخن این طور برداشت می شود که باید حداکثر امکانات کشور را درجنگ باصدام به کار گرفت چرا که جبهه مقابل با تمام توان و هم چنین حمایت های خارجی وارد جنگ شده است.

امام صلح در مقابل رژیم بعثی را هیچ گاه به نفع نظام نمی دانستند، چنانچه در پیام خرداد ۶۶ میفرمایند "صلح مال ضعفاست این اشخاص ضعیف که همیشه در دام امریکا بوده اند یا امثال اینها از این مسایل می گویند."

حجت الاسلام دکتر محمد مهدی بهداروند می گویند "امام خمینی ادامه جنگ را تا پیروز ی کامل بر دشمن خواستار بود و هرگز راضی به پذیرش صلح تحمیلی نبود."

بد نیست دیدگاه رئیس جمهور وقت (آیت ا... خامنه ای) را نیز در این مورد بدانیم:

ایشان در پاسخ به اظهارات ریگان(رئیس جمهور امریکا) در ۲۳ ابان ۶۵ می فرماید "شما خود با تحریک عراق و کمک رژیم بعث این رژیم متجاوز را به تجاوز به ایران ترغیب کردید اما حالا که جمهوری اسلامی ایران نشان داده است که حق خود را خواهد گرفت و متجاوز را عقب زده است شما مایلید ایران را به اتش بس راضی کنید من در اینجا از طرف امام و شما امت حزب ا... اعلام می کنم که این جنگ جز باپیروزی رزمندگان ما پایان نخواهد یافت."

اگر امام خمینی ورئیس جمهور وقت وفرماندهان جنگی راضی به ادامه جنگ تارفع فتنه بودند پس چه کسانی جام زهر را به امام خوراندند؟

برای یافتن پاسخ این پرسش گریزی به تفکرات فرمانده جنگ (آیت ا... هاشمی رفسنجانی (میزنیم:

هاشمی رفسنجانی همان طور که خود در خاطراتش ذکر کرده در برابر خواسته های

امام

فرماندهان جنگی برای دریافت امکانات جهت تحقق رفع فتنه، میگفتند برای جنگ می بایست کمی امکانات از این طرف یا ان طرف جمع کنیم ودر اختیار فرماندهان جنگی قرار دهیم تا یک پیروزی به دست آورند سپس از این پیروزی برای گرفتن امتیاز از عراق استفاده میکنیم ودر نهایت با اتش بس کار را تمام میکنیم

ایشان درخاطره جلسه ای که با مسئول پدافند هوایی وقت آقای حسن روحانی داشتند مینویسند:
"در ۲۶ خرداد ۶۷ در باره ی آینده جنگ فکر کردم، سپس با آقای حسن روحانی در میان گذاشتم .بسیج عمومی برای جنگ یا پذیرش صلح؛ راه دیگری به ذهنمان نرسید....."

پیداست آقایان در حالی که فقط یک ماه تا پایان جنگ مانده تازه در فکر این اند که ایا تمام امکانات را برای جنگ بسیج کنند یا خیر، یعنی تفکر حضرات بر این بوده است که جنگ یک مسئله فرعی است در حالی که امام بار ها فرمودند "جنگ در راس تمامی امور است".

اما جناب رفسنجانی و دوست عزیز تر از جانش (مسئول پدافند هوایی وقت) سخت کوشانه به دنبال عقیده خود هستند که این عقیده همان تحمیل صلح به امام است یعنی راه دوم را برمیزگزیند این چیزی است که علنا از خاطرات خود آقای رفسنجانی برمی آید.

این اولین باری نیست که خاطرات او عامل رسوایی اش می شود

او می گوید: "در ۲۷ خرداد ۶۷ به خدمت امام رسیدم، وضع جبهه ها، نیروها و امکانات کشور و وضع دشمن را برای امام تشریح کردم ودوراه بسیج تمام نیرو ها وامکانات برای جنگ پا پذیرش ختم جنگ را برای امام مطرح کردیم ایشان راه اول را برگزیدند به امام گفتم برای ادامه جنگ فرماندهان از ما امکانات و وسایلی میخواهند که در شرایط فعلی کشور بودجه لازم برای تهیه ان را نداریم امام گفتند بروید از مردم مالیات بگیرید به ایشان گفتم این کار را قبلا کرده ایم ودیگر گرفتن مالیات بیشتر از مردم برای دولت امکان ندارد ومیزان ان به حداکثر رسیده است (!!)امام گفتند خوب استقرارض کنید .پس از این مسئله به امام گفتم نیروهای مردمی به جبهه نمی آیند (!!)امام گفتند من برای حل این مشکل به مردم حکم جهاد میدهم گفتم درکشور ارز نداریم تا بعضی از نیاز های کشور را از خارج تامین کنیم (!!)امام گفتند برای ان راهی پیدا کنید بروید نفت را پیش فروش کنید."

آقای هاشمی هر بهانه یا دلیلی می آورد امام برای ان پاسخی دارد اما آقای هاشمی هم از قبل تصمیم خود را گرفته و بنا ندارد که امکانات کشور را در راستای پشتیبانی همه جانبه از جبهه بسیج کند .

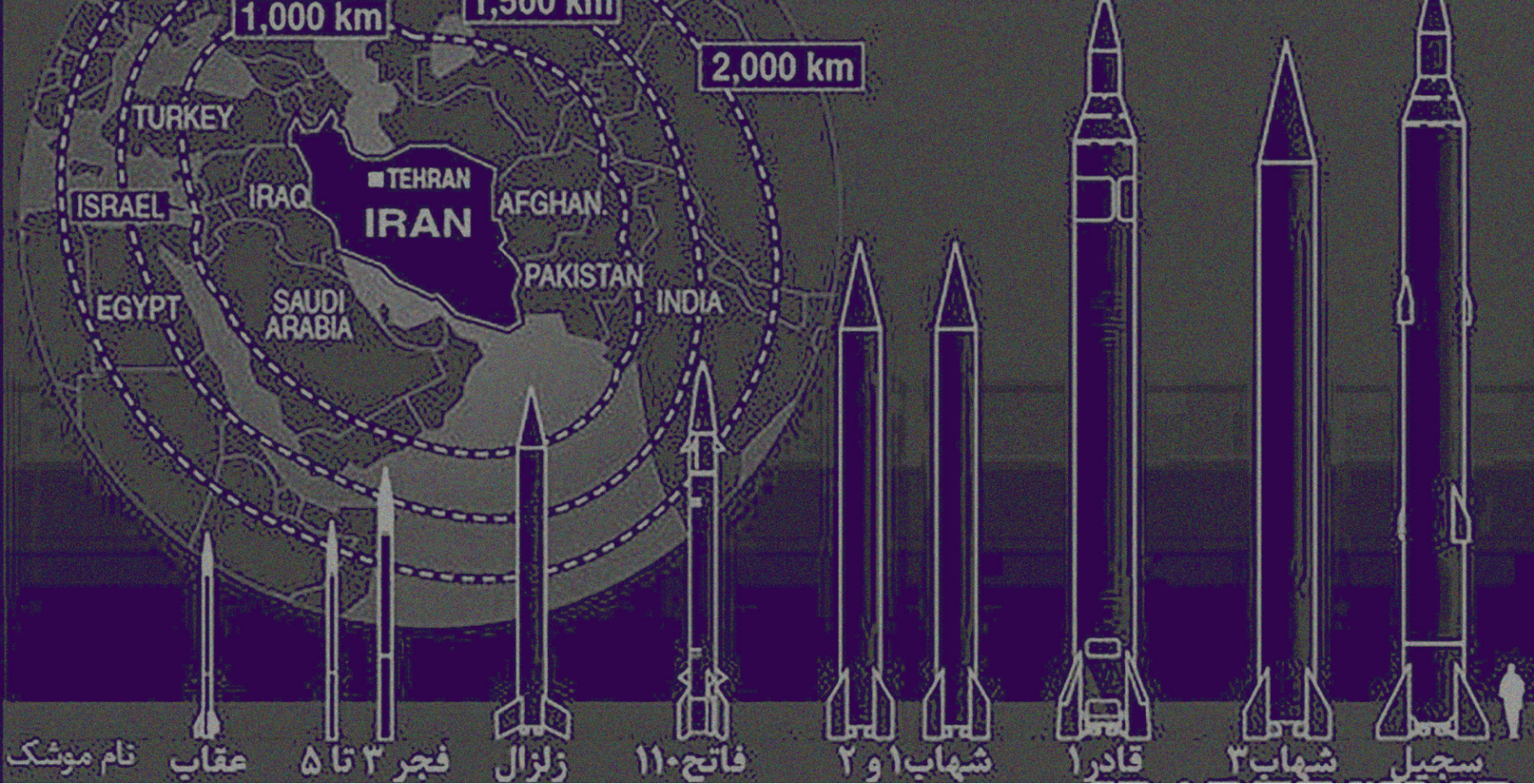
از سخنان رفسنجانی این طور بر می آید که دلیل پافشاری به صلح تنها دو عامل بوده است:

۱.استقبال نکردن مردم از جبهه ها وضعیف شدن روحیه رزمندگان و به تعبیر رفسنجانی خسته شدن رزمندگان از طولانی شدن جنگ

اما این ها تنها ساخته ذهن فرمانده جنگ است چنانچه در خاطراتش این تفکرخود را مورد تهاجم قرار می دهد

در یادداشت ۵ اردیبهشت ۶۷ می نویسد"ساعت ۸:۳۰صبح برای شرکت در جلسه ی شورای عالی پشتیبانی جنگ به دفترایت الله خانه ای رفتم درباره ی اعزام نیرو ها به جبهه بحث شد گفتند سطح اعزام خوب است و قرار شد تبلیغات برای تداوم اعزام ادامه یابد." علاوه براین آقای محسن رفیق دوست(وزیر سپاه در دوران جنگ) در مصاحبه ای می گوید "زمانی که قطع نامه را پذیرفتیم در بهترین شرایط عده وعده بودیم ."

اما در مورد ضعیف شدن روحیه رزمندگان آقای رفسنجانی واقعا فکر می کنید چه کسی مسئول این تضعیف روحیه بود ؟پاسخ این سوال را از زبان سردار همدانی می خوانیم "چرا عراق در اخر جنگ به فاو حمله کرد و راحت انجا را گرفت؟ اولین عامل تخریب کننده همین خبر بود که جنگ به پایان رسیده است و می خواهیم تمام شود. صبحینی که فرمانده جنگ (رفسنجانی) کرد وگفت میخواهیم پای میز مذاکره برویم تاثیر خود را گذاشت حتی برخی از فرماندهان عالی جنگ با ایشان در گیری لفظی پیدا کردند."



***کشورهای آلمان و ژاپن به عنوان کشورهای شکست خورده و تحت اشغال، جهت تنبیه از داشتن نیروی مسلح محروم شدند.**
سال ۲۰۱۵ ژاپن ۴۰۰ میلیارد؛ یعنی ۷۵٪ هزینه های پایگاه های نظامی آمریکا را پرداخت کرده است.

ژاپن و آلمان علاوه بر تحمل ناامنی و مشکلات حاد اخلاقی، باید سالانه میلیارد ها دلار به آمریکا بپردازند. با وجود ممنوعیت نیروی مسلح تهاجمی، داشتن نیروی دفاعی هیچگاه از دستور کار این کشور ها خارج نشده و موضوع دفاع برای آنها تا آنجا اهمیت دارد که در سال ۲۰۱۵ بودجه دفاعی آلمان و ژاپن، هرکدام سه برابر بودجه دفاعی جمهوری اسلامی ایران بوده است. فلذا این تصور که آلمان و ژاپن پول دفاع را صرف پیشرفت صنعتی و رفاهی کرده اند از اساس بی پایه می باشد.

آیا امنیت ملی ایران به عنوان کشوری که همواره به دلیل دارا بودن منابع و معادن مختلف به ویژه نفت و گاز و موقعیت جغرافیایی خاص که در حساس ترین نقطه جهان واقع شده و مورد تهدید و طمع قدرتهای جهان بوده قابل مقایسه با کشوری است بدون منابع زیرزمینی ارزشمند و واقع در منطقه ای کم ارزش؟

آمریکا، الگوی نظامی آقای هاشمی است و با وجود اینکه هزینه ی نظامی اش برابر هزینه ی همه ی کشورهای جهان است، ۶۰ سال اقتصاد پیشرو و برتر جهان را در اختیار داشت.

کره جنوبی حدود یک بیستم خاک ایران مساحت دارد و با وجود فقدان معادن و ذخایر مهم، بودجه دفاعی سالانه اش ۳۶ میلیارد است. کره جنوبی یک اقتصاد پیشرو محسوب می شود. چین، پیشروترین اقتصاد حاضر دنیاست و امروز بزرگترین ارتش دنیا را دارد، بنابراین لازمه ی داشتن قدرت اقتصادی برتر، نیروی مسلح قوی است که بتواند از منافع کشور قدرتمند اقتصادی، دفاع کند. همه ی کشور های پیشرفته نیروی مسلح دارند و هر کشوری که اقتصادش پیشرفته تر است سرمایه گذاری دفاعی اش بیشتر است.

پاکستان که اهمیت ژئوپولیتیک بالایی هم ندارد ۴۰٪ درامدش را هزینه ی ارتش می کند و حتی بمب اتمی دارد.

چه دلیلی دارد که ایران با این همه حساسیت، تنها کشور جهان باشد که داوطلبانه نیروی مسلحانه خود را کنار بگذارد؟

نادیده گرفتن احتمال تهاجم نظامی آمریکا در این منطقه ی پر آشوب و با همسایگانی پرخطر، ایران را بدون قدرت دفاعی گذاشتن، تحویل کشور به داعش و طالبان نیست؟ حال که جمهوری اسلامی یکی از قوی ترین نیروهای دفاعی را دارد، دشمن زور می گوید، تحریم می کند و انرژی هسته ای مان را تعطیل می کند و وای به روزی که نیروی دفاعی نداشته باشیم.

فرموده ی امام خمینی در فروردین ۱۳۶۸: مطمئنا غفلت از تقویت بنیه دفاعی کشور و طمع تهاجم و تجاوز بیگانگان، نهایتا تحمیل جنگ و توطئه ها را به دنبال می آورد.

دنیای گفتمان ها، دنیای موشک ها

« وَ اَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِباطِ الْخيلِ »

به تناسب دستورات گذشته در زمینه جهاد اسلامی، یک اصل حیاتی در هر عصر و زمان، لزوم آمادگی رزمی کافی در برابر دشمنان است.

«در برابر دشمنان هر قدر توانایی دارید، از نیرو و قدرت و اسب های ورزیده برای میدان آماده سازید.»

اگر این دستور بزرگ اسلامی به عنوان یک شعار همگانی در همه جا تبلیغ شود و مسلمانان از کوچک و بزرگ، نویسنده و گوینده و... در زندگی خود به کار ببندند، برای جبران عقب ماندگی هایشان کافی است. سیره عملی پیامبر و پیشوایان بزرگ اسلام نیز نشان می دهد که در مقابله با دشمن از هیچ فرصتی دریغ نمی کردند و در تهیه سلاح و نفرات و به کار بستن هر نوع تاکتیک جنگی و ... هیچ مطلب کوچک و بزرگی را از نظر دور نمی داشتند.

هدف منطقی و انسانی این آیه، این است که با این تجهیزات، دشمن خدا و دشمن خود را بترسانیم زیرا غالب دشمنان، گوششان بدهکار حرف حساب و منطق و اصول انسانی نیست و آنها چیزی جز منطق زور نمی فهمند.

علاوه بر این دشمنانی که می شناسید، دشمنان احتمالی و بالقوه مانند منافقان را نیز در نظر بگیرید و حداکثر نیرو و قدرت لازم را فراهم کنید.

موضوع مهم دیگری که این آیه به آن اشاره دارد این است که تهیه نیرو، ابزار، اسلحه جنگی و ... نیاز به سرمایه مالی دارد.* « برگزیده تفسیر نمونه زیر نظر استاد محقق، آیت ا... مکارم شیرازی »

*** رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، آیت ا... هاشمی رفسنجانی: « اگر می بینید آلمان و ژاپن، محکمترین اقتصاد دنیا را دارند برای این است که بعد از جنگ جهانی دوم از این که نیروی نظامی داشته باشند، محروم شده اند. نیروهای نظامی بیشترین خرج کشورهای در حال جنگ را می برند و از این رو با این اقدام پول هایشان آزاد شد و به دنبال کار های علمی و تولیدی رفته و اقتصاد دانش بنیان برای خود درست کرده اند؛ لذا دیگر آسیب پذیر هم نیستند. این راه در ایران هم باز شده است و مدیران دلسوزان و معلمان باید وارد فضا شوند.»**

پیش از این نیز تونیتر هاشمی رفسنجانی مدعی شده بود « دنیای فردا، دنیای گفتمان هاست نه موشک ها.»

سعی در راضی کردن امام به پذیرش صلح دارند چنانچه از سخن امام خمینی در ۲۵ تیر ۶۷ برمی اید که خطاب به مسئولین کشور مینویسند "آقای نخست وزیر (موسوی) از قول وزرای اقتصاد و برنامه و بودجه وضع مالی نظام را زیر صفر اعلام کردند"

از نظر آقایان ما از خط قرمز اقتصادی هم فراتر رفته بودیم در حالی که به طور میانگین هزینه مورد استفاده در جنگ تنها ۱۲درصد کل درآمد سالیانه بود و این یعنی ۸۸درصد درآمد سالیانه در مسایل غیر جنگ به کار میرفته است این خود نقض آشکار سخن امام است که بار ها فرمود "جنگ در راس امور کشور است"

بد نیست تحلیل مقام معظم رهبری را در مورد پذیرش صلح بدانیم:

ایشان در ۱۴ خرداد۷۵ می فرمایند قبول قطع نامه از طرف امام به خاطر فهرست مشکلاتی بود که مسئولین ان روز امور اقتصادی کشور مقابل روی او گذاشتندو نشان دادند که کشور نمی کشد ونمی تواند جنگ را بااین همه هزینه تحمل کند امام مجبور شد وقطع نامه را قبول کرد.پذیرش قطع نامه به خاطر ترس نبود به خاطر هجوم دشمن هم نبود به خاطر تهدید امریکا نبوداگر همه دنیا در امر جنگ دخالت می کردند امام رضوان ا... علیه کسی نبود که رو بر گرداند ان (پذیرش صلح)یک مسئله داخلی بود...مسئله ی دیگری بود."

رفسنجانی در پایان برای اینکه عرصه را کاملا برآماد تنگ کند مهره های اصلی جنگ را از میان طرفداران خود بر گزید

ایشان در یادداشت ۹ خرداد۶۷خود می نویسند"در باره ی ستاد جدید فرماندهی کل قوا بحث کردیم و به این نتیجه رسیدیم که مناسب ترین فرد (برای ریاست ستاد)فعلا آقای نخست وزیر (میر حسین موسوی)است."

آقای هاشمی ومحسن رضایی وعلی شمشخانی در حالی میر حسین موسوی را مناسب ترین فردبرای ریاست ستاد فرماندهی کل قوا اعلام میکنند که وی دو روز قبل از ان از نخست وزیری استعفا داده است ولی امام با استعفای وی مخالفت کرده بودند

چنین فردی که از زیر بار مسئولیت نخست وزیری ان هم در شرایط حساس جنگی شانه خالی میکند ایا حاضر است مسئولیت جدیدی را بپذیرد؟البته چنین فردی با ان سابقه کارشکنی های متعدددر پشتیبانی از جبهه حقیقتا برای برنامه ریزی آقای هاشمی فردی کاملا مناسب به شمار می رود امام خمینی که گویا به این طرح شک برده بود با ریاست موسوی مخالفت کردند آقای هاشمی در یادداشت ۱۱ خرداد۶۷مینویسد "شب برای مشورت درباره ی ریاست ستاد خدمت امام رفتم ایشان با ریاست نخست وزیر با کیفیت ارائه شده موافقت نکردند"

اما با هر ترفندی بود بالاخره آقای هاشمی طرح خود را پیاده کرد وخاستند وگفتند من می خواهم توپ جنگ را در زمین دولت بیندازم... تو برو در وزارت خانه ات بنشین اصلا دیگر وقتی نیست که چیزی می کنی؟چیزی که اعضای هیئت دولت نیز سمعی در ستاد فرماندهی رئیس ستاد فرماندهی جنگ کردندو تعدادی از اعضای هیئت دولت نیز سمعی در ستاد فرماندهی داشتند آقای خاتمی مسئول تبلیغات جنگ شد و آقای بهزاد نبوی را هم مسئول لجستیک جنگ کردند وهمین طور احکام را دادند که همان باعث پذیرش قطع نامه شد."

تر کیب فوق را ملاحظه می کنید؟ میر حسین موسوی با ان سابقه سپاهش می شود رئیس ستاد فرماندهی کل قوا!بهزاد نبوی – که روسها ارتباط وی را با سازمان سیا فاش کرده بودند– میشود مسئول لجستیک ستاد کل /اسید محمد خاتمی (روشنفکر غرب زده) میشود مسئول تبلیغات ستاد کل.....!!

یعنی دقیقا همان ترکیبی که هاشمی برای رسیدن به اهدافش به ان نیاز داشت از مطالب فوق به خوبی مشخص میشود ترکیب جدیدی که آقای هاشمی تحت پوشش ظاهری " بسیج امکانات کشور برای حمایت از جنگ" در ستاد فرماندهی کل ایجاد می کند از ابتدا با هدف خاتمه دادن به جنگ طراحی شده بود و این نقشه خود را هم ظرف مدت یک ماه عملی کرده کاری می کنند که امام وادار به سرکشیدن جام زهر قبول قطع نامه می شود.

پس از قبول قطع نامه آقای هاشمی در یادداشت خودیک عبارت ناروا به اما نسبت میدهند که در تمام این سال ها یک نفر هم گفته ی ایشان را تایید نکرده است

ایشان می گوید "امام با اظهار رضایت از پذیرش قطع نامه واثار مثبت ان (!!!)فرمودند که تصمیم به پذیرش قطعنامه از الطاف الهی بود (!!!)"

یا للعجب!امامی که تا آخرین روزهای پایان جنگ هم چنان در برابر تحمیل صلح از جانب جناب عالی ومهره های تان مقاومت می کردند وان را خیانت به مسلمین می دانستند واذ پذیرش ان به سرکشیدن جام زهر تعبیر می کرد از ان رضایت داشت؟؟؟

عبارتی که جناب هاشمی رفسنجانی نقل می کند در تضاد کامل با سخنان امام پس از پایان جنگ است

به زعم بسیاری از کارشناسان، آقای هاشمی رفسنجانی با تحویل دادن این چرندیات و نسبت دادنشان به امام سعی در پوشاندن حقایقی دارند که تا ابد بر دل این ملت شهید پرور سنگینی می کند.

دلایل پذیرش قطعنامه ۵۹۸ و بازتاب جهانی تصمیم ایران



۲. کمبود امکانات دومین عامل پافشاری آقای هاشمی در تحمیل صلح به امام بود.

اما این توطئه ای بود از جانب دوست سیاسی آقای رفسنجانی یعنی نخست وزیر وقت (آقای میر حسین موسوی)

این طور که آقای هاشمی به امام گلابه کرده بود گویا تمامی امکانات کشور در حوزه جنگ به کار گرفته شده بود اما این خلاف فرمایشات فرمانده سپاه آقای محسن رضایی است او می گوید "امکانات کشور بسیار وسیع تر از چیزی بود که ما دریافت می کردیم در کل دوران دفاع مقدس ما ۲۲میلیارد دلار از خرج جنگ کردیم...در حالی که فقط سال ۶۲بالای بیست وچند میلیارد دلار فروش نفت داشتیم."

او در جای دیگر می گوید "سپاه از سال ۶۲ به بعد مسئله امکانات را مطرح کرد اما دوستان سیاسی (رفسنجانی وموسوی) به ما پانک زدند که مسایل تصمیم گیری را پیچیده کرد پانک انها این بود که سپاه می تواند بجنگد ولی به دنبال گرفتن امکانات از کشور است. لذا وقتی صحبت از امکانات می کردیم می گفتند شما می خواهید سپاه را گسترش دهید ویک چنین فضایی ایجاد کرده بودند.....دوستان سیاسی اعتقادی به بسیج امکاناتی که به سقوط صدام منجر میشد نداشتند یک بار آقای رفسنجانی صریحا گفت که شما می روید و بغداد را میگیرید ولی اگر آمریکا بمب اتم بزند چه کار خواهید کرد ؟

اگرچه این مسئله مهمی بود ولی طرح ان صرفا برای توجیه فرماندهان جنگی برای نپذیرفتن خواسته شان بود پس معلوم می شود که دوستان اصلا به شعار جنگ جنگ تا پیروزی وسقوط صدام اعتقادی نداشتند دولت مردان ما براین عقیده بودند که این جنگ را نمی توانیم تا سقوط صدام ادامه دهیم و باید صرفا ان را با یک عملیات موفق تمام کنیم."

ایا این ها مخالفت آشکار با تفکرات امام نیست؟

آقای رضایی می گوید"توانایی رزمندگان ما بیش ازان چیزی بود که در صحنه مشهود بود وقیل از این که دشمن مانع ما باشد ماخود مان مانع خودمان بودیم..... من دو سه بار در جای دیگر گفتم اگر با استراتژی امام حرکت کرده بودیم جنگ به جای اینکه ۸سال طول بکشد در کمتر از ۵سال و با یک پیروزی بسیار بزرگتر که به سقوط صدام منجر میشد. اتفاقا همین استراتژی محافظه کارانه ی ادامه نبرد برای تحمیل صلح باعث شد که ما نتوانیم جنگ را زودتر تمام کنیم وجنگ طولانی شد."

حال آقای رفسنجانی ودوستان سیاسی ایشان (روحانی وموسوی) شما که درباره ی خسته شدن رزمندگان از طولانی شدن جنگ به امام شکایت کرده بودید فکر نمی کنید دلیل طولانی شدن جنگ خود جنابان بودید به دلیل عدم پابندیی به سخنان امام ؟ امام خودشان در سخنرانی ۲۷شهریور ۶۵ به مناسبت عید غدیر "اشخاصی که به دنبال تحمیل صلح هستند را خائن وحيله گر نامیده و اظهار می دارد قصه امام حسن وقضیه صلح ان هم تحمیلی بود. برای این که امام حسن دوستان خودش ان اشخاص خائن که دور او جمع شده بودنداو را جویری کردند که نتوانست خلافش بکند صلح کرد. صلح تحمیلی بود."

اما رفسنجانی ودوستان ، می دانستند امام را نمی توان به سادگی راضی به پذیرش صلح کرد بنابراین رفسنجانی اخرین سناریوی خود را بازی می کند

او وجناب نخست وزیر با دادن اطلاعات بی اساس به امام در باره ی مسائل اقتصادی

مگر من برای حقوق آمده ام؟!

آن وقتی که جوان حزب اللهی ما به جهاد یا به سپاه یا به فلان وزارتخانه می رفت و به او می گفتند که چقدر حقوق می خواهی، می گفت این حرف ها چیست، مگر من برای حقوق آمده ام؟ اصرار می کردند که بالاخره زندگی خودت و زن و بچه ات باید بگردد؛ یک چیزی بگیر. به نظر شما این ها افسانه است؟... نماینده ی مجلس وقتی اول بار به او حقوق دادند، خجالت کشید حقوق را بگیرد!... گفتند ما حقوق بگیریم؟!

برادران! من و شما داریم از آن ذخیره میخوریم؛ فراموش نکنید، آن را مردم دیدند. نمی شود ما در زندگی مادی مثل حیوان بچریم و بغلتیم و بخواهیم مردم به ما به شکل یک اسوه نگاه کنند؛ مردمی که خیلیشان از اولیات زندگی محرومند.

امام خامنه ای - ۱۳۷۰/۵/۲۳

جلوی اشرافی گری باید گرفته بشود؛ اشرافی گری برای کشور است. وقتی اشرافی گری در قلعه های جامعه به وجود آمد، سرریز خواهد شد به بدنه؛ [آن وقت] شما می بینید فلان خانواده ای که وضع معیشتی خوبی هم ندارد، وقتی میخواهد پسرش را داماد کند یا دخترش را عروس کند یا فرض کنید مهمانی بگیرد، مجبور است به سبک اشرافی حرکت بکند. وقتی اشرافی گری فرهنگ شد، میشود این. جلوی اشرافی گری باید گرفته بشود. رفتار مسئولین، گفتار مسئولین، تعالیمی که میدهند، باید ضد این جهت اشرافی گری باشد؛ کما اینکه اسلام این جور است.

امام خامنه ای - ۱۳۹۵/۱۱

خبرهای اخیر

- یوسفی - فرماندار ورامین: "اهل شیشلیک و کباب هستم و شفاف هم می گویم با نان و پنیر نمیتوانم کار کنم."

- صفدر حسینی - رئیس صندوق توسعه ی ملی، که ماهانه ۵۷ میلیون تومان حقوق می گرفت و به تازگی تقاضای افزایش حقوق داده بود، از کار خود استعفا داد.

چندی بعد نوبخت، سخنگوی دولت، وی را یکی از ذخایر نظام خواند! - (چه گویم که ناگفتم بهتر بود)



عباس دست طلا

انتشارات: فاتحان

این کتاب نگاه تازه ای به مقاومت رزمندگان دارد، نمونه ای واضح از اقتصاد مقاومتی است و یک درس عملیاتی در حوزه اقتصاد مقاومتی به شمار می آید. ماجرای "عباس علی باقری" از زمانی شروع می شود که کمتر از دو ماه از آغاز جنگ گذشته، عباس برای حضور در جبهه ها دودل است و سرانجام تصمیم می گیرد دو هفته به جبهه برود و ببیند در آن جا چه کاری از دستش بر می آید. او و چند نفر از دوستانش وارد پادگان می شوند، محلی که خودروهای خسارت دیده از انفجار در آنجا قرار دارند. توانایی و سرعت آن ها در کار فوق العاده است و این باعث شهرت آن ها می شود و...

«کتاب این آقای حاج عباس دست طلا را که مفصل و با جزئیات [گفته] خواندم. خیلی خوب بود انصافاً؛ مخصوصاً کتاب ایشان؛ هم مطلب در آن زیاد بود، هم آثار صفا و صداقت در آن کاملاً محسوس بود و انسان می دید. خداوند ان شاء... فرزند شهید ایشان را با پیغمبر محشور کند و خودشان را هم محفوظ بدارد.» (مقام معظم رهبری - ۹۲/۱۱/۱)

